



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



چالش‌ها و فرصت‌های پزشکیان

تا همین چند ماه پیش معدودی از افسراد در خارج از ایران نام مسعود پزشکیان را شنیده بودند. این پزشک ۶۹ ساله نماینده مردم تبریز در مجلس ایران بود و پیشتر نیز در دولت سیدمحمد خامنی اصلاح‌طلب به عنوان وزیر بهداشت مشغول به کار بود. حالا او رئیس‌جمهوری شده و به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور که از سال ۲۰۰۵، رسماً به جناح اصلاح‌طلب تعلق دارد، قدرت را به دست گرفته است. اگر چه دولت میانه‌رو حسن روحانی نیز از حمایت رهبران اصلاح‌طلب برخوردار بود اما خود روحانی هرگز خود را چهره‌ای اصلاح‌طلب قلمداد نکرد. اگر پزشکیان با چالش‌ها و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو است اما انتخاب او فرصتی را در اختیار ایران قرار داده تا قدم‌هایی هر چند کوچک به سمت مسیری متفاوت بردارد و امیدوار در دل مردمی که به دنبال تغییرند، زنده کند. پزشکیان در انتخاباتی پیروز شد که رکورد کاهش مشارکت را ثبت کرد. رخدادهای اعتراضی سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ و محدود شدن فضای سیاسی در سه سال گذشته از دلایل این کاهش مشارکت بود. جدای از حمایتی که پزشکیان از سوی سران اصلاح‌طلب دریافت کرد، حمایت محمدجواد ظریف، وزیر خارجه سابق ایران در کنار حمایت محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت روحانی از پزشکیان در پیروزی او بسیار مؤثر بود. این دو چهره، یک کمپین گسترده انتخاباتی برای پزشکیان به راه انداختند و از مردم دعوت کردند پای صندوق‌های رای بروند. حضور ظریف به‌طور خاص، اهمیت سمبولیک داشت و به افکار عمومی ایران این پیام را مخابره کرد که در دولت پزشکیان قرار است چرخشی اساسی در سیاست خارجی رخ دهد و ایران مواضع متعادل‌تری را در پیش بگیرد. علاوه بر این، ارتباط مستقیمی که پزشکیان با مردم برقرار کرد و شیوه ارتباط برقرار کردن او و صداقتش در مناظره‌ها نیز توانست توجه قشر روستایی و طبقات محروم را جلب کند. پیروزی پزشکیان هم‌و‌اجد فرصت‌هایی است و هم چالش‌هایی در پیش خواهد داشت. رئیس‌جمهوری در ایران قدرت محدودی در تعیین سیاست‌های استراتژیک کشور دارد. این سیاست‌ها معمولاً توسط رهبری ایران تعیین می‌شود. رئیس‌جمهوری به عنوان رئیس قوه مجریه می‌تواند در سیاست‌های پائین‌دستی تغییرات و بهبودهایی صورت دهد. این حیثه قدرت در حوزه‌هایی نظیر سیاست‌های اجتماعی، نظیر حجاب و محدودیت‌های اینترنتی و همچنین سیاست‌های اقتصادی کارکرد دارد. رئیس‌جمهوری ایران همچنین رئیس شورای عالی امنیت ملی است که معنایش این است که او می‌تواند در سیاست‌های خارجی و روندی شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی، نقش آفرین باشد. اما فارغ از محدودیت‌ها، تعامل با مجلسی که معمولاً نیروهای رقیب است یکی دیگر از چالش‌های مسعود پزشکیان است. انتظار می‌رود که پزشکیان در این خصوص مسیر سختی را در پیش داشته باشد. روابط پزشکیان با سپاه پاسداران نیز برای موفقیت طرح‌های بسیار اهمیت دارد. ایجاد تعادل بین طرح‌های اصلاحی او با منافع سپاه پاسداران موجب خواهد شد که طرح‌های پزشکیان بهتر عملیاتی شود. پزشکیان برای موفقیت در این مسیر باید رویکردی عملگرانه در قبال سپاه در پیش بگیرد. عملکرد پزشکیان در عرصه سیاست خارجی نیز زیر نظر است. رویکرد سیاست خارجی پزشکیان که توسط تیم سیاست خارجی دولت روحانی حمایت می‌شود، هدفش تعامل دیپلماتیک با غرب است. البته چالش‌هایی نظیر پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، بحث اتمش از روسیه در جنگ با اوکراین و رویارویی اش با اسرائیل این تعامل را با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد کرد. پزشکیان مجبور خواهد بود این رویکرد را با دقت در پیش بگیرد و بین نیاز به تعامل با غرب و واقعیت‌های دینامیک‌های سیاست داخلی، تعادل برقرار کند. در خصوص سیاست‌های منطقه‌ای، به نظر می‌رسد که همین روند فعلی ادامه داشته باشد. سیاست منطقه‌ای ایران به خصوص حمایت ایران از بازنگران غیردولتی مسلح در منطقه به‌طور کلی در حیثه اختیار سپاه پاسداران است. فراتر از این، به نظر می‌رسد که یک اجماع همه‌جانبه در تهران وجود دارد که می‌گوید بهبود روابط با کشورهای عرب همسایه ایران، در راستای منافع ایران است. رهبران کشورهای عربی نیز به سرعت پیروزی پزشکیان در انتخابات را تبریک گفتند و از تمایل‌شان برای روابط باثبات با ایران سخن به میان آوردند. در نهایت موفقیت پزشکیان در سیاست داخلی و سیاست خارجی به رویکرد عملگرانه او در برقراری تعادل بین اهداف اصلاحی و منافع جریان‌های محافظه‌کار و نظامی در ایران بستگی دارد.

جایگاهی برای تغییر بازی

در باب اهمیت سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی و گزینه‌های احتمالی برای دولت چهاردهم



ایران تحولات پس از بازگشت از دور دوم مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا را اینگونه روایت می‌کند که «وقتی ما از سفر دوم مسقط بازگشتیم در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی توسط آقایان باقری و جلیلی محاکمه شدیم که شما به چه اجازه‌ای و با چه دستورالعملی رفتید؟ آقای احمدی‌نژاد هم کاملاً با ورود وزارت خارجه به این پرونده مخالف بود حتی من یک دفعه با ایشان صحبت کردم و خواستم به ما کمک کند چرا که وضعیت خوبی بود اما ایشان حرف من را نپذیرفتند و بعد هم دکتر صالحی گفت که آقای احمدی‌نژاد به ایشان گفته که به‌عنوان وزیر خارجه حق ندارید این کار را بکنید و به‌عنوان شخصی هم، من توصیه می‌کنم این کار را نکنید». وی می‌افزاید: «سعید جلیلی و علی باقری تمام توان‌شان را به کار گرفتند که مذاکرات پیش نرود. آنها مرتب از مفاد مذاکره ایراد می‌گرفتند: این در حالی بود که ما قبل از رفتن، درباره این سفر با سعید جلیلی حرف زده بودیم؛ بعد از بازگشت هم رهبری گزارش ما را خواندند و نظرات‌شان را پی‌نویس کردند و گفتند ما مذاکره کنیم و سعید جلیلی هم به کار خود ادامه دهد».

جلیلی پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری، جای خود را به علی شمخانی داد. در خصوص پروسه انتخاب وزیر دفاع پیشین به سمت دبیری ششم روایت‌های قابل توجهی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مخالفت اولیه رهبر انقلاب و اصرارهای حسن روحانی برای این تصمیم اشاره کرد. محمود واعظی، رئیس دفتر و از نزدیکان روحانی در این خصوص می‌گوید: «اول که سال ۹۲ آقای روحانی، آقای شمخانی را معرفی کرد، مقام معظم رهبری گفتند شما اگر کسی دیگر را دارید بگذارید؛ یعنی یکی، دوبار ایشان تأیید نکردند البته نه به‌عنوان اینکه اختلاف است؛ ایشان ملاحظاتی داشتند که نمی‌دانم ملاحظاتشان چه بود که تأیید نکردند، اما بعدش تأیید کردند». با این حال روحانی خیلی دیر متوجه خطای خود در این رابطه شد و نقل است که اقدامات منصوب خود را به «خنجر از پشت» تعبیر کرده است.

هرچند بسیاری از اختلافات و سنگ‌اندازی‌های علی شمخانی در مسیر اقدامات دولت‌های یازدهم و دوازدهم، پس از دوران ریاست جمهوری روحانی علنی شد اما بسیاری نیز به سبب اهمیت و اظهارات علنی دبیر ششم در همان زمان نیز آشکار شد؛ برای مثال اظهارات خلاف مواضع دولت دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی در جریان اعتراضات سال ۹۸ و پس از افزایش قیمت بنزین در همان زمان با واکنش مواجه شد چرا که شمخانی در مصاحبه‌ای، از افزایش قیمت بنزین دفاع کرد اما گفت سوءمدیریت باعث ایجاد یک بحران امنیتی شد. محمود واعظی در واکنش به این مصاحبه گفت که آقای روحانی، رئیس شورای عالی امنیت است و دبیرخانه شورا، باید با دبیران آن هماهنگ باشد.

ریاست دفتر وقت ریاست جمهوری همچنین در خصوص نقش علی شمخانی در عدم موفقیت برای احیای برجام در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم و همچنین تلاش رئیس دولت برای تغییر دبیر ششم، می‌گوید: «روحانی شخصاً مسئله برجام را دنبال می‌کرد و خیلی مشخص بود، اما اگر دبیر خانه همسو بود، می‌توانست به راحتی حل شود؛ چه‌سامی توانم‌بگویم اگر دبیر خانه همسو بود، در دولت دوازدهم امضای می‌شد. عوض کردن دبیر همیشه یک توافق بین رئیس‌جمهوری و مقام معظم رهبری است. این توافق حاصل نشد. آقای روحانی چند بار اقدام کردند». همچنین از زبان برخی دیپلمات‌های بازنشسته نقل است که «گویا آقای شمخانی بدون اطلاع دولت و رئیس شورای امنیت ملی که رئیس‌جمهور بود، مذاکراتی با مجلس و شورای نگهبان داشته‌یا شاید نامه‌ای داد بر موافقت شورای عالی امنیت ملی به شورای نگهبان نوشته‌باشد که تصویب قانون راهبردی مجلس برای لغو تحریم‌ها توسط مجلس و تأیید سریع آن توسط شورای نگهبان را ممکن کرد.»

محمود واعظی همچنین در خصوص «نورنیز»، رسانه منتسب

بلکه با قرار گرفتن در موضعی قوی‌تر خواست‌های خود را بر دولت عراق تحمیل کند. گروه دیگر اما تمایل داشتند تا جمهوری اسلامی خصوصاً و دشمنی ۸ساله با دولت عراق را به فراموشی بسپارد و اینکه که دولت صدام در مقابل «شیطان بزرگ» یعنی آمریکا قرار گرفته، به کمک وی شتافته، با ایجاد اتحادی میان دو دولت در مقابل تجاوزات آمریکا به منطقه مقاومت کند. با این حال اما شورای عالی امنیت ملی ۲۹ دی‌ماه ۶۹ در حضور رهبر انقلاب تشکیل جلسه داد. در این جلسه که با حضور ریاست شورای عالی امنیت ملی و سایر اعضای این شورا و مشاورین و فرماندهان عالی نظامی برگزار شد، بررسی جامعی از اوضاع متشنج منطقه به‌عمل آمد و سیاست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر بی‌طرفی درگیری مورد تأیید قرار گرفت. در این زمان، حسن روحانی سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی را به عهده داشت.

همچنین روحانی از سال ۱۳۹۴ و خروج ایران از ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد سخن به‌میان آورد که در نتیجه امضای توافق هسته‌ای رخ داد و براساس قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران تعلیق و سلبه جنگ از روی کشور برداشته شد. در جریان این تصمیم‌گیری روحانی، رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی بود. علی لاریجانی در سال ۸۴ جانشین روحانی شد اما پس از دو سال و در سال ۸۶، پس از چندین بار درخواست او برای استعفاء از دبیری شورای عالی امنیت ملی، این درخواست پذیرفته شد، هرچند او تا یکسال بعد نیز نماینده رهبر انقلاب در این نهاد بود. لاریجانی در گفت‌وگوی تلویزیونی با برنامه‌شناسنامه که خردادماه ۹۲ پخش شد، پس از ۶ سال در خصوص دلایل استعفا خود از دبیری ششم گفت: «مسئله‌ای که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی وجود دارد، جزو مسائل حساس کشور است که یکی از آن‌ها مسئله هسته‌ای ایران است. مسائل گوناگونی که به‌منفعت و امنیت ملی مربوط می‌شود، آنجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. من حس می‌کردم یک نوع اختلاف جدی مدیریتی با آقای احمدی‌نژاد دارم. مسائل استراتژیک کشور باید با تألی و حساب شده پیش برود و احتیاج دارد همه بخش‌های مختلف هم‌گرایی داشته باشند. کارهای لحظه‌ای نمی‌تواند صدق کند و برای کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند». وی افزود: «تا یک مدتی قابل تحمل بود و بحث می‌کردیم اما از یک زمانی به بعد من دیدم به هر حال ایشان رئیس‌جمهور است و حق دارد و لزومی ندارد که بنده مزاحم ایشان باشم و نمی‌خواستم حضوری تحمیلی داشته باشم. در واقع سطح من این نبود».

آغاز افول یک جایگاه ملی

پس از استعفا لاریجانی، سعید جلیلی از سوی احمدی‌نژاد به سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی منصوب و دوران هر ۱۶۰ روز یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران آغاز می‌شود. فاجعه‌بارترین دستاورد دوران مسئولیت جلیلی قطعنامه ۱۹۲۹ است که با رای مثبت چین و روسیه به تصویب رسید؛ براساس این قطعنامه، کشورهای عضو سازمان ملل می‌توانستند تمام محموله‌های هوایی و دریایی که به ایران فرستاده می‌شود یا از آن خارج می‌شود را در فرودگاه‌ها، بنادر و آب‌های قلمرو خود در صورتی که بر این باور باشند که آن محموله‌ها حاوی مواد اتمی، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده‌است، بازرسی کنند». و همچنین به آن‌ها اجازه می‌داد «محموله‌های دریایی ایران را براساس قوانین بین‌المللی در آب‌های آزاد بازرسی، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند».

در جریان مذاکرات منتهی به امضای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ منجر و در نهایت به مذاکرات منتهی به امضای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ منجر شد نیز نقش جلیلی و معاوضت علی باقری کئی بسیار رعب‌آور است. «ما محاکمه و مجازات شدیم؛ علی اصغر خاجی، مذاکره‌کننده وقت

نام شمخانی در موضوع شکست مذاکرات برای احیای برجام در دولت سیزدهم نیز به چشم می‌خورد؛ اینگونه نقل است که در بهار سال ۱۴۰۱ و در حالی که توافق حتمی و حسین امیرعبداللهیان برای امضای آن آماده سفر به وین می‌شد، به ناگاه سفر لغو می‌شود چرا که در آخرین تصمیمی که در شورای عالی امنیت ملی و در نتیجه اتحاد نانوشته شمخانی و دشمن شماره یک برجام یعنی سعید جلیلی رقم می‌خورد

حسن روحانی، اولین و باسابقه‌ترین دبیر شورای عالی امنیت ملی با تصدی نزدیک به ۱۶ ساله این جایگاه، در مهرماه ۱۴۰۰ و به مناسبت سالگرد تاسیس این نهاد در حساب ایکس خود نوشت: «۲۰ مهر ۲۲ سال پیش، شورای عالی امنیت ملی تاسیس شد. سیاستی طرفی فعال در حمله ائتلاف به عراق در سال ۶۹ و خارج کردن ایران از ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل در ۹۴ از تصمیمات سرنوشت‌ساز این نهاد است هوشیاری نسبت به تحولات منطقه/جهان و تدبیر شجاعانه برای صلح و امنیت ملی لازمه پیشرفت کشور است».

براساس اصل یکصد و هفتاد و هشتم قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی تشکیل شد. اعضای این شورا را رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و محاسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه تشکیل می‌دهند. این اصل در سال ۱۳۶۸ و در اصلاحاتی که نسبت به قانون اساسی صورت گرفته، به این قانون الحاق شده است.

در سال‌های نخست انقلاب اسلامی به پیشنهاد دولت موقت، شورای عالی دفاع تشکیل شد که قرار بود به‌سازماندهی امور نیروهای مسلح بپردازد. بعد از تصویب قانون اساسی در سال ۵۸، وظایف این شورا تغییر کرد و در حدود اختیارات رهبری در قانون اساسی قرار گرفت. اعضای شورا در آن زمان، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دو مشاور به تعیین رهبر انقلاب بودند که امام خمینی (ره) آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مصطفی چمران را به‌عنوان نماینده خود در آن شورا انتخاب کرده بود. با شروع جنگ، بیشتر وظایف فرماندهی و تصمیمات بر عهده این شورا قرار گرفت؛ اما با بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، شورای عالی دفاع منحل شد و وظایف آن ذیل اختیارات رهبری قرار گرفت و تشکیل شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ دیده شد.

تصمیمات سرنوشت‌ساز

حسن روحانی در ۲۲ آبان ۱۳۶۸ به عنوان نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی منصوب شد. او از سال ۱۳۶۸ به مدت ۱۶ سال مسئولیت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشت؛ سمتی که در دولت هاشمی‌رفسنجانی به‌اوردید و در ریاست جمهوری سیدمحمد خامنی نیز ادامه یافت. وی در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ و در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نیز نماینده رهبر انقلاب در شمام بود. روحانی در پیام خود در سال ۱۴۰۰ به دو تصمیم سرنوشت‌ساز این نهاد در سال‌های ۶۹ و ۹۴ اشاره کرده است؛ در جریان پورش نظامی عراق به کویت و جنگ دوم خلیج فارس، دو گروه طرفداران روحان به جنگ را تشکیل می‌دادند؛ گروه نخست معتقد بودند که کشور باید از شرایط حساس عراق که درگیر جنگ دیگری شده بود، استفاده نماید و با حمله همه‌جانبه در مرز مشترک خود با این کشور وارد خاک عراق شده، نفع‌تها انتقام تجاوزات بی‌رحمانه رژیم صدام را از او بگیرد،



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

حسن روحانی، اولین و باسابقه‌ترین دبیر شورای عالی امنیت ملی با تصدی نزدیک به ۱۶ ساله این جایگاه، در مهرماه ۱۴۰۰ و به مناسبت سالگرد تاسیس این نهاد در حساب ایکس خود نوشت: «۲۰ مهر ۲۲ سال پیش، شورای عالی امنیت ملی تاسیس شد. سیاستی طرفی فعال در حمله ائتلاف به عراق در سال ۶۹ و خارج کردن ایران از ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل در ۹۴ از تصمیمات سرنوشت‌ساز این نهاد است هوشیاری نسبت به تحولات منطقه/جهان و تدبیر شجاعانه برای صلح و امنیت ملی لازمه پیشرفت کشور است».

براساس اصل یکصد و هفتاد و هشتم قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی تشکیل شد. اعضای این شورا را رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و محاسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه تشکیل می‌دهند. این اصل در سال ۱۳۶۸ و در اصلاحاتی که نسبت به قانون اساسی صورت گرفته، به این قانون الحاق شده است.

در سال‌های نخست انقلاب اسلامی به پیشنهاد دولت موقت، شورای عالی دفاع تشکیل شد که قرار بود به‌سازماندهی امور نیروهای مسلح بپردازد. بعد از تصویب قانون اساسی در سال ۵۸، وظایف این شورا تغییر کرد و در حدود اختیارات رهبری در قانون اساسی قرار گرفت. اعضای شورا در آن زمان، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دو مشاور به تعیین رهبر انقلاب بودند که امام خمینی (ره) آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مصطفی چمران را به‌عنوان نماینده خود در آن شورا انتخاب کرده بود. با شروع جنگ، بیشتر وظایف فرماندهی و تصمیمات بر عهده این شورا قرار گرفت؛ اما با بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، شورای عالی دفاع منحل شد و وظایف آن ذیل اختیارات رهبری قرار گرفت و تشکیل شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ دیده شد.